

✓ خلاصه از مفول تئوری واک

# ① \* در مورد تئوری های ارزش ویژه توضیح دهید ، آیا این تئوری ها واقعاً تئوری هستند ؟

۱- تئوری مالکیت ( Proprietary theory ) : از دیدگاه تئوری مالکیت ، دارایی های شرکت به مالکان تعلق دارد و بدهی شرکت هم بدهی مالکان به حساب می آید ، درآمدهای کسب شده حق مالکیت مالکان را افزایش و هزینه های شرکت حق مالکیت مالکان را کاهش می دهند ، تمامی سودها و زیان ها متعلق به مالکان و نه شرکت است. معادله حسابداری آن ( مالکیت = بدهی ها - دارایی ها ) است . این تئوری در واحدهای تجاری که به صورت مالکیت انفرادی ( شرکت خصوصی ) هستند کاربرد دارد. کاربرد ارزش ویژه برای ثبت سرمایه گذاری ها در واحدهای فرعی ، نیز نمونه ای دیگر از کاربرد تئوری مالکیت است، در این تئوری سود جامع ( comprehensive income ) از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۲- تئوری واحد تجاری ( Equity theory ) : در این تئوری شرکت و نه مالکان در مرکز توجه قرار دارند ، در واقع دارایی ها و بدهی ها به واحد تجاری و نه به مالکان تعلق دارند ، درآمدها و هزینه ها مربوط به واحد تجاری است. معادله این تئوری ( ارزش ویژه = دارایی ها ) می باشد ، تئوری واحد اقتصادی ( Entity theory ) بیانگر مفهوم همین تئوری است . سود خالص در تئوری واحد اقتصادی مهم ترین رقم گزارشگری مالی محسوب می شود. لذا با توجه به اهمیت سود خالص لازم است تمرکز ویژه ای بر شیوه محاسبه سود صورت پذیرد.

۳- تئوری وجوه ( Fund theory ) : در تئوری وجوه یک واحد عملیاتی و مبتنی بر فعالیت در کانون توجه قرار می گیرد ، این حوزه فعالیت ها یا دیدگاهی که آن را وجوه می نامند شامل گروهی از دارایی ها و تعهدات و محدودیت هایی می شود که نشان دهنده فعالیت های اقتصادی خاص می گردد . این تئوری براساس معادله ( دارایی ها = محدودیت های اعمال شده بر دارایی ها ) قرار دارد. تئوری وجوه در حسابداری دولتی و نهادهای غیر انتفاعی بیشتر مفید واقع شده و در حسابداری مالی چندان قابل قبول واقع نشده است. مثلاً در دانشگاهها برای صندوق رفاه دانشجویان از این تئوری استفاده می شود. تهیه صورت های مالی تلفیقی یک نمونه از کاربرد تئوری وجوه است.

۴- تئوری فرماندهی (commander theory): در تئوری فرماندهی بر « کنترل » تاکید می شود ، یعنی هر کس منابعی دارد و بخواهد آن را به کار گیرد به عنوان یک فرمانده مورد توجه قرار خواهد گرفت . چرا که فرمانده منابع را به شیوه ای تخصیص می دهد که منافع همه گروه ها تامین شود. تئوری فرماندهی با حسابداری سنجش مسئولیت سازگار است.

۵- تئوری حقوق باقیمانده (Residual Equity Theory): در این تئوری دارایی های باقیمانده ، پس از تامین ادعای مدعیان خاص ( بستانکاران و دارندگان سهام ممتاز ) به مالکان باقیمانده ( دارندگان سهام عادی ) تعلق می گیرد. پس معادله آن عبارت است (حقوق باقیمانده = دارایی ها - حقوق خاص). منظور از حقوق خاص همان بستانکاران و دارندگان حقوق صاحبان سهام ممتاز است. هدف از این تئوری ارائه اطلاعات بهتر به دارندگان سهام عادی جهت تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری است.

۶-تئوری شرکت های سهامی (Enterprise Theory): طبق این تئوری واحدهای تجاری بویژه شرکتهای پذیرفته شده در بورس های ملی و منطقه ای به عنوان نهادهای اجتماعی مورد توجه قرار می گیرند . در واقع این تئوری را می توان یک تئوری اجتماعی از حسابداری دانست.

\*\*\* تئوری جریان منطقی از استدلال است که ما را از مجموعه ای مفروضات بنیادی، به نتایج نهایی رهنمون می کند . همچنین تئوری ها به شرح و بیش بینی وقایع با استفاده از یک سری اصول کلی و عام می پردازند. هدف تئوری عبارت است از ارائه دلیل یا توضیح ( توجیه ) یک عمل یا اقدام. و تئوری نشان دهنده دیدگاهی است که از دیدگاه حسابداری از آن زاویه به شرکت نگاه می شود. و در نهایت تئوری به عنوان مرجع عمومی ارزیابی روش های حسابداری می باشد. لذا براساس تعاریف مختلف تئوری ، ماهیت ارزش ویژه، مورد بحث بسیاری از صاحب نظران بوده است که این امر موجب ارائه تئوری های مختلف شده است، که این تئوری ها می توانند یک چارچوب مرجع ارائه کنند که بدان وسیله در صورتهای مالی اطلاعاتی را ارائه کنند که ارزش یا مبلغ اقلام تشکیل دهنده آنها را بتوان تعیین نمود. موفق باشید . حسن احمدی

در مورد ARS1, ARS3 و انتقادات وارد بر این مطالعات توضیح دهید. ۸ ✓

ARS1, ARS3 اولین کوشش جامع حرفه‌ای در تدوین چارچوب نظری به شمار می‌آید. این مطالعات هیات اصول حسابداری (APB) زمینه را برای تدوین چارچوب نظری هیات استانداردهای حسابداری مالی فراهم کرده است.

در ARS1 از رویکرد قیاس استفاده شده اما روش‌های رسمی و اصطلاحات نمادی را در فرایند استدلال و استنتاج برخی اصول به کار نرفته است. مفروضات بنیادی در این مطالعه به دو گروه مشخص تقسیم شده است:

- گروه اول (مفروضات A, B)، مفروضات کلی و توصیفی را در برمی‌گیرد که معرف محیط اقتصادی و سیاسی حسابداری می‌باشد. طبقه A محیطی و طبقه B مربوط به حسابداری (برخی از مفروضات طبقه B از مفروضات طبقه A استنتاج شده است که این خود موجب انتقادهای شدیدی شده زیرا مفروضات بنیادی را نمی‌توان با استدلال از سایر مفروضات بنیادی نتیجه گرفت.

- گروه دوم (مفروضات C)، شامل قضاوت‌های ارزشی است که قیاسی - دستوری می‌باشد. انتقادات با اهمیت به این مطالعه این است که این مفروضات بدیهی برای استنتاج مجموعه‌ای از اصول با معنی و مشخص حسابداری کافی نیست.

مفروضات این مطالعه دستوری است اما تدوین‌گر مطالعه آن را مفاهیم نامیده چون بر اساس روش‌های عملی حسابداری تدوین شده است.

در ARS3 هشت اصل کلی مطرح است که از میان این هشت اصل دست کم سه اصل به مسئله تغییر قیمت‌ها مربوط و موجب انتقاد شدید حرفه حسابداری شده است. ✓

اصل اول سود را محصول کل فعالیت‌های تجاری می‌داند. این اصل با استدلال استنتاج نشده است این اصل به گروه B مفروضات بنیادی مربوط است مبنای شناسایی در این اصل تغییرات ارزش جایگزینی است که خود به شناسایی سود یا زیان غیر عملیاتی منتج می‌شود.

یکی از انتقادهای عمده وارده بر اصل چهارم یعنی اندازه‌گیری ارزش دارایی‌ها، غیر قابل تجمع بودن آن است. زیرا در این اصل ویژگی‌های متفاوتی از ارزش‌های جاری برای طبقات مختلف دارایی توصیه شده که از لحاظ تئوریک قابل جمع نمی‌باشد.

مطالعات تحقیقاتی شماره یک و سه به دلایل مختلف از جمله ناتوانی حرفه در کنار گذاشتن بهای تمام شده تاریخی با موفقیت همراه نبوده است. مفروضات بنیادی و اصول مطروح به دلایل زیر دارای نقاط ضعف است.

۱- مفروضات بنیادی کامل نیست و نمی‌تواند تمامی سیستم‌های ارزشیابی را به جز آن چه که در اصول پیشنهادی آمده مردود بشمارد.

۲- اصل اول از هیچ یک از مفروضات بنیادی استنتاج نشده است.

۳- جمع سیستم‌های متفاوت ارزشیابی برای طبقات مختلف دارایی هنوز به عنوان یک سوال است.

نقش خود را در سازمان‌ها ۱۹۳۴ تا امروز توضیح دهید

۳) جواب سوال آقای محسن لاری

۱۹۳۳	سازمان بورس نیویورک مقرر می‌کند که گزارشهای سالانه حسابرسی شود و قانون حقیقت در اوراق بهادار به تصویب می‌رسد. قانون بانکداری گلاس-استیگل تصویب می‌شود.
۱۹۳۴	ایجاد کمیسیون بورس و اوراق بهادار
۱۹۳۶	انجمن حسابداران آمریکا جامعه حسابداران رسمی تشکیل داد ✓
۱۹۵۹	هیأت اصول حسابداری تشکیل شد
۱۹۶۵	حکم ۲۰۳ صادر شد
۱۹۷۱	اقدامی ناموفق برای انتشار مجدد محتوای بیانیه شماره ۲ از هیأت اصول حسابداری
۱۹۷۳	هیأت استاندارد های حسابداری مالی جایگزین هیأت اصول حسابداری شد. نشریه شماره ۱۵۰ از سلسله نشریات حسابداری (دستور العمل یا بخشنامه کمیسیون بورس و اوراق بهادار)

### کمیته رویه‌های حسابداری : (CAP) (committee on accounting proceder)

انجمن حسابداران آمریکا در ۱۹۳۶ کمیته رویه‌های حسابداری را تشکیل داد تا بدین وسیله رابطه بین حرفه حسابداری و نهاد های قانون گذاری دولتی بوجود آورد. سپس انجمن حسابداران آمریکا با افزودن بر اعضای کمیته از ۷ به ۲۱ نفر، و با صدور مجوز به آن برای دادن اعلامیه‌هایی در مورد رویه‌ها و اصول حسابداری در برابر کمیسیون واکنش نشان داد. کمیته تا ۱۹۵۹ به طور مرتب تشکیل جلسه می‌داد و ۵۱ خبرنامه منتشر کرد. پس از آن ۸ خبرنامه به صورت یکجا در قالب خبرنامه واژگان حسابداری شماره ۱ بررسی‌ها و سوابق منتشر کرد. (این خبرنامه‌ها همانند بیانیه‌های هیأت اصول حسابداری و استانداردهای هیأت اصول حسابداری لازم الاجرا هستند).

### تشکیل هیأت اصول حسابداری (۱۹۵۹): APB (Accounting Principles Board)

روند تشکیل : انجمن حسابداران رسمی آمریکا در اکتبر ۱۹۵۷ با پیشنهاد تشکیل سازمانی جدید برای بررسی مفروضات اصلی حسابداری، شناسایی بهترین اصول و ارائه پیشنهاد های جدید به این درخواست ها (قابلیت مقایسه صورت های مالی) پاسخ داد. در نتیجه کمیته ویژه‌ای برای تحقیقات تشکیل شد. کمیته مذکور در گزارش ۱۹۵۸ پیشنهاد جایگزینی هیأت اصول حسابداری به جای کمیته رویه‌های حسابداری را داد و بدین ترتیب در ۱۹۵۹ این هیأت بوجود آمد.

اهداف:

- ✓ ارائه اصول پذیرفته شده حسابداری به صورت مکتوب
- ✓ محدود کردن زمینه‌هایی که موجب تفاوت در روش (عمل) حسابداری می‌شود
- ✓ تشکیل گردهمایی برای بحث در مورد مسائل بحث برانگیز و حل نشده جدید

### تشکیل هیأت استانداردهای حسابداری مالی : FASB (Financial Accounting Standards Board)

انجمن حسابداران رسمی آمریکا و انجمن حسابداران آمریکا هر دو پیشنهاد کردند که برای تدوین اصول حسابداری تحقیقاتی انجام شود تا بتوان اثربخش ترین سازمان را معرفی کرد. آنها همچنین خواستار تعیین هدف های اصلی حسابداری شدند. در دسامبر ۱۹۷۰ در همایشی که به منظور تحقیق در رابطه با دو هدف ۱- روش های تدوین اصول حسابداری و ۲- تعیین هدف های صورت های مالی، توسط نمایندگان ۲۱ مؤسسه بزرگ حسابداری آمریکا انجام شد مقرر شد که یک گروه ۷ نفره تشکیل شود. با توجه گزارشات این گروه در رابطه با تحقیقاتشان راجع به به تدوین استاندارد های حسابداری و با پیشنهاد این گروه فعالیت هیأت اصول حسابداری در سال ۱۹۷۲ پایان یافت و در اول ژوئیه بنیاد حسابداری مالی (جدا از تمام سازمان های مالی)، هیأت استانداردهای حسابداری مالی و شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی تشکیل شدند که در ادامه به اختصار، ساختار و اهداف هر یک از این سازمان‌ها را جداگانه بیان می‌کنیم.

این هیأت از ۷ عضو تمام وقت با تخصص های گوناگون تشکیل شده است که بیشتر آنها در زمینه حسابداری عمومی، تجارت یا صنعت تخصص دارند و یا استاد حسابداری هستند.

هدف تشکیل : تدوین یا اصلاح استاندارد های حسابداری مالی و گزارشگری جهت هدایت و آموزش مردم که از آن جمله اند ارائه کننده گان صورت های مالی، حسابرسیان و استفاده کننده گان از صورت های مالی

۳- اصل اول از هیچ یک از مفروضات بنیادی استنتاج نشد.

۴- جمع سیستم‌های متفاوت ارزشیابی برای طبقات مختلف دارایی هنوز به عنوان یک سوال است.

✓ سوال ۱۸ در مورد بیانیه ها و گزارشات صادر شده طی سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۷ در تغییر نگرش و رویکردهای حسابداری توضیح دهید. به نظر شما کدام یک از این بیانیه ها با اهمیت تر بوده است؟

طی سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۷ بیانیه های زیر مطرح شدند که از رویکرد مفروضات بنیادی - اصول فاصله گرفتند و به دیدگاه هدفها - استاندارد ها روی آوردند.

- شرحی از تئوری بنیانی حسابداری ASOBAT (1960 AAA)
- مفاهیم و اصول بنیانی صورتهای مالی واحدهای انتفاعی (1970) APB\*4
- هدفهای صورتهای مالی Trueblood report (۱۳۷۳ AICPA)
- شرح تئوری حسابداری و پذیرش آن ASTTA (1978 AAA)

### ASOBAT

حسابداری را اینگونه تعریف کرده است:

فرایند تشخیص ، اندازه گیری و گزارش اطلاعات اقتصادی به نحوی که برای استفاده کنندگان از این اطلاعات ، امکان قضاوت و تصمیم گیری آگاهانه را فراهم آورد.

بر اساس این تعریف استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری از این پس کانون توجه خواهند بود

اهداف حسابداری ۱- تصمیم گیری در مورد استفاده از منابع محدود ۲- رهبری و کنترل منابع ۳- ایفای وظیفه مباشرت در مورد منابع محدود ۴- تسهیل ایفای وظایف اجتماعی و اعمال کنترل

### APB\*4

تعریف حسابداری: حسابداری یک فعالیت خدماتی است وظیفه ان نیز تهیه و ارائه اطلاعات کمی درباره واحدهای اقتصادی است که بدوا ماهیت مالی دارد و قاعدتا باید برای تصمیم گیریهای اقتصادی مفید واقع شود.

در APB \* نیز بر تنوع استفاده کنندگان مالی تاکید اما علاوه بر آن متذکر شده است که استفاده کنندگان اطلاعات مالی باید دانش لازم را داشته باشند و قادر به درک ویژگی و محدودیت های صورتهای مالی باشند . ضمنا بر مقاصد کلی صورتهای مالی و توجه به تمامی استفاده کنندگان نیز تاکید شده است.

### Trueblood گزارش

این کمیته توسط انجمن حسابداران خبره امریکا هنگامی که هیات اصول حسابداری مورد انتقاد شدید بود تشکیل شد. این کمیته هدف برای صورتهای مالی بیان کرد که ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم گیریهای اقتصادی به عنوان هدف اصلی صورتهای مالی بیان شده است. در گزارش کمیته اهمیت گردش وجوه نقد و ارتباط اندازه گیری سود اوری با ایجاد گردش وجوه نقد در آینده مورد تاکید قرار گرفته است.

## شرح تئوری حسابداری و پذیرش آن (ASTTA) (1978 AAA)

در این گزارش موضوع تنوع استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری و کوناگونی مدلهای تصمیم گیری و همچنین نیازهای اطلاعاتی متفاوت آنان مورد توجه واقع شده است.

به نظر بنده گزارش نقش مهمتری داشته زیرا تغییر کلی در رویکرد حسابداری و توجه به استفاده کنندگان اطلاعات مالی را برای اولین بار مورد توجه قرار داده است.

به نام خدای حسابگر و حسابرس، حسابدار زمین و آسمان و هر آنچه در اوست.

هم او که افتتاحیه و اختتامیه‌ی همه‌ی کتاب‌ها و حساب‌ها است.

✓ سوال ۱۰ دکتر قلی پور:

تئوری نمایندگی و علامت دهی را از دیدگاه مالی نظارت بر گزارشگری مالی را توضیح دهید

نظرات فراوانی در حمایت از بازارهای غیر نظارتی وجود دارد. تمام این نظرات به طور کلی به انگیزه‌های موجود برای شرکت پیرامون گزارش اطلاعات در مورد خود به مالکان و بازار سرمایه ارتباط دارد. تئوری نمایندگی توضیح می‌دهد که چرا برای افشا داوطلبانه به مالکان انگیزه وجود دارد. گزارشگری داوطلبانه به بازار سرمایه به شکل گسترده‌تر از طریق تئوری علامت دهی و همچنین وجود عامل رقابت در بازار سرمایه توضیح داده می‌شود. و بالاخره استدلال می‌شود که هر نوع اطلاعاتی که به طور داوطلبانه گزارش نشود را می‌توان از طریق انعقاد قراردادهای خصوصی به دست آورد.

تئوری نمایندگی نشانگر تضاد بین مالکان و مدیران است، تضادی که تا حدودی از طریق گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. گزارشگری مالی منظم، ابزاری است که از طریق آن مالکان می‌توانند بر قراردادهای استخدامی مدیران نظارت کنند.

حد اقل کردن مخارج نظارت بر نمایندگی، انگیزه‌ای اقتصادی برای مدیران است تا نتایج حسابداری را به شکلی قابل اتکا به مالکان گزارش کنند. این انگیزه از آنجا ناشی می‌شود که مدیران، حد اقل تا حدودی، بر مبنای اینکه گزارشگری توسط آنان تا حد منصفانه و سالم است، مورد قضاوت قرار گرفته و تشویق می‌شوند. گزارشگری منصفانه و سالم، حسن شهرت مدیر را افزایش می‌دهد. حسن شهرت نیز باید به نوبه خود منجر به پاداش بیشتری شود. زیرا مخارج نظارت بر نمایندگی چنانچه مالکان گزارش‌های حسابداری را قابل اتکا بدانند، به حد اقل خواهد رسید.

تئوری نمایندگی چارچوبی برای تجزیه و تحلیل انگیزه‌های مالی بین مدیران و مالکان فراهم می‌کند. در مقابل تئوری علامت دهی توضیح می‌دهد در شرایطی که الزامی برای گزارشگری وجود ندارد، چرا شرکت‌ها برای گزارش داوطلبانه به بازار سرمایه دارای انگیزه هستند. شرکت‌ها برای دستیابی به منابع کمیاب سرمایه دارای ریسک، با هم در رقابت هستند و برای موفقیت در این رقابت، افشای داوطلبانه ضروری است. در صورتی که شرکت از نظر گزارشگری مالی، خوشنام باشد، توانایی شرکت در جذب سرمایه بهبود می‌یابد. گذشته از این، گزارشگری منصفانه و سالم، با کاهش هزینه سرمایه شرکت همراه خواهد بود زیرا عدم اطمینان در مورد شرکت‌هایی که به شکل گسترده‌تر و به صورتی قابل اتکا به گزارشگری می‌پردازند، کمتر است که به این ترتیب، ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یافته و طبیعتاً نرخ بازده مورد انتظار نیز کمتر خواهد بود.

هنگام جذب سرمایه ، برای ارائه داوطلبانه اطلاعات درباره شرکت ، انگیزه وجود دارد . همچنین حفظ علاقه سرمایه گذاران نسبت به شرکت نیز ، انگیزه ای است برای گزارشگری منظم . شرکت هایی که عملکرد خوبی دارند ، از انگیزه ای قوی برای گزارش نتایج عملیاتی خود برخوردارند . بنابراین فشار های رقابتی باعث می شود . شرکت های دیگر نیز ، هر چند نتایجشان خوب نباشد ، به گزارشگری بپردازند . سکوت ( کوتاهی در گزارشگری ) به عنوان خبر بد تفسیر خواهد شد . شرکت های با اخبار معمولی نیز برای اجتناب از متهم شدن به داشتن نتایج ضعیف ، برای گزارش نتایج خود انگیزه خواهند داشت . به این ترتیب تنها شرکت های دارای خبر بد به گزارشگری نخواهند پرداخت . این وضعیت باعث می شود شرکت های دارای اخبار بد نیز برای حفظ اعتبار در بازار سرمایه ، ناگزیر از افشای نتایج خود باشند .

استدلال دیگر حامیان بازار های غیر نظارتی بر این پیش فرض استوار است که هر کس جدا خواستار اطلاعات پیرامون شرکت باشد ، می تواند آن را به دست آورد . در واقع هر کس بخواهد می تواند برای دست یابی به اطلاعات ، با خود شرکت ، مالکان آن و یا به طور غیر مستقیم با واسطه های مالی نظیر تحلیل گران ، قرار داد خصوصی منعقد کند . اگر واقعا اطلاعاتی فراتر از آنچه به شکل عمومی و رایگان موجود است ، مورد نیاز باشد ، در این صورت افراد می توانند چنین اطلاعاتی را بخرند . به این ترتیب ، نیروهای بازار باید منجر به تخصیص بهینه منابع مربوط به تولید اطلاعات شوند .

نقش ASOBAT در تعیین نرخ بهره برای شرکت های ایرانی

✓ جواب ۱۲- دکتر زهدی

موضوع : ASOBAT

بعد از تاسیس هیات استانداردهای حسابداری مالی (FASB) و قبل از انتشار اولین بیانیه این هیات ، انجمن حسابداری آمریکا (AAA) بار دیگر تئوری حسابداری را پس از گذشت سال ها از انتشار بیانیه گروه مطالعاتی ASOBAT در دستور کار خود قرار داد این بازنگری دوباره تئوری حسابداری ، به دلیل تغییرات زیادی بوده که در حسابداری از سال ۱۹۶۶ میلادی ( سال انتشار بیانیه ASOBAT ) با زمان بازنگری ( سال ۱۹۷۳ میلادی ) صورت گرفته بود نتیجه این بازنگری انتشار بیانیه ای درباره تئوری حسابداری و پذیرش تئوری SATTA بود . ( به آیین ۱۳۸۵ )

شرحی از تئوری بنیانی حسابداری ( ASOBAT )

انجمن حسابداری آمریکا که متشکل از اساتید حسابداری دانشگاههای آمریکاست کوششی را در راستای تدوین تئوری حسابداری شروع و هدف زیر را برای خود انتخاب کرد :

« تدوین شرح یکپارچه از تئوری بنیانی حسابداری که بتواند راهنمای مدرسین ، حسابداران حرفه ای و سایر علاقمندان حسابداری قرار گیرد ... در این راستا ، نقش ، ماهیت ، محدودیتهای حسابداری نیز میتواند مد نظر قرار گیرد . »

در شرح تئوری بنیانی حسابداری ( ASOBAT ) ، حسابداری به نحو زیر تعریف شده است :

« فرایند تشخیص ، اندازه گیری ، گزارش اطلاعات به نحوی که برای استفاده کنندگان از این اطلاعات ، امکان قضاوت و تصمیم گیری آگاهانه را فراهم آورد . »

هدفهای حسابداری :

در تئوری بنیانی حسابداری (ASOBAT)، این هدفها به اختصار در چهار سرفصل به شرح زیر مطرح شده است :

۱- تصمیم گیری در مورد استفاده از منابع محدود و تعیین هدفهای واحد انتفاعی.

۲- رهبری و کنترل منابع انسانی و فیزیکی واحد انتفاعی به نحوی اثر بخش .

۳- ایفای وظایف مباشرت و ارائه گزارشهای مربوط به منابع.

۴- تسهیل ایفای وظایف اجتماعی و اعمال کنترل .

✓ تصمیم گیری در مورد استفاده از منابع محدود : تصمیم گیری معمولاً با ارزیابی انتظار وقوع رویدادها در آینده مرتبط است در واقع روشهای مورد استفاده برای ارزیابی انتظارات آینده را می توان مدل تصمیم گیری

نامید . در واقع مهمترین هدف حسابداری ، تامین و ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم گیری است .

✓ رهبری و کنترل منابع . در واقع این هدف به استفاده مدیریت از اطلاعات حسابداری اشاره دارد در تئوری بنیانی حسابداری ، نیازهای اطلاعاتی مدیریت ، متفاوت از نیازهای اطلاعاتی گروههای برون سازمانی دیده شده است.

✓ ایفای وظیفه مباشرت در مورد منابع : اجرای سیستم مناسب حسابداری توسط یک شخص ( مدیریت ) برای وجوهی که توسط شخص دیگر ( سهامدار ) در اختیار روی گذشته شده است ، سابقه نسبتاً طولانی دارد.

در زمان حاضر ، این هدف گسترش یافته است. خرید و فروش سهام از طریق بورس انجام می گیرد و معمولاً سهامداران در شرکتها حضور ندارند.

✓ تسهیل ایفای وظایف اجتماعی و اعمال کنترل : وظیفه چهارم در واقع ادامه ایفای وظیفه مباشرت و تعمیم آن به کل جامعه است. بنابراین حسابداری به مواردی نظیر مالیات ، جلوگیری از تقلب ، مقررات دولتی و گرد آوری اطلاعات و آمار برای مقاصد اندازه گیری فعالیت اقتصادی نیز توجه دارد.

استانداردهای مربوط به اطلاعات حسابداری

کانون توجه تئوری بنیانی حسابداری (ASOBAT) چهار استاندارد است که برای ارزیابی اطلاعات حسابداری مورد استفاده قرار می گیرد این استانداردها عبارتند از

✓ ۱- مربوط بودن

✓ ۲- قابلیت تایید

✓ ۳- پرهیز از جانبداری

✓ ۴- قابلیت سنجش

✗ مربوط بودن ، منظور فایده اطلاعات در تصمیم گیریهاست.

✗ قابلیت تایید ، این مفهوم که مترادف عینیت نیز بکار گرفته می شود ، در واقع یکی از جنبه های اندازه گیری به شمار می آید.



✗ پرهیز از جانبداری ، این استاندارد به دلیل همگن نبودن استفاده کنندگان اطلاعات مالی و همچنین تفاوت نقاط نظر مدیریت و استفاده کنندگان برون سازمانی ، حائز اهمیت و ضروری است.

نکته : در ASOBAT ، استاندارد پرهیز از جانبداری به تهیه کنندگان صورتهای مالی اشاره دارد در حالیکه در مفاهیم FASB ، بی طرفانه بودن ، به هیاتهای تدوین استاندارد توجه دارد.

✗ قابلیت سنجش ، این استاندارد ، ارتباط بسیار نزدیکی با تئوری اندازه گیری دارد اما در تئوری بنیانی حسابداری ASOBAT ، قابلیت سنجش مورد تاکید بسیار قرار گرفته است.

رهنمود های مربوط به گزارش اطلاعات حسابداری :

در تئوری بنیانی حسابداری ، پنج رهنمود برای گزارش اطلاعات حسابداری به شرح زیر ارائه شده است :

۱- مناسبت برای استفاده مورد انتظار

۲- افشای ارتباطات با اهمیت

۳- ارائه اطلاعات محیطی

۴- یکنواختی روشها در داخل واحدهای انتفاعی و همچنین میان آن واحدها

۵- ثبات رویه در طول زمان

اولین رهنمود ، در واقع تاکید مجدد بر استاندارد مربوط بودن است.

علیرغم عنوان این رهنمود ، تنهایی از جنبه های افشاء در آن مطرح شده است این جنبه نیز مربوط به تجميع اطلاعات و امکان مکتوم ماندن اطلاعات با اهمیت در ارقام صورتهای مالی است .

در این بخش ، اطلاعات محیطی ، مجموعه ای از وضعیتهایی را در بر می گیرد که بر فرآیند گردآوری اطلاعات و مفروضات تهیه کنندگان درباره موارد استفاده اطلاعات حاکم بوده است.

دو رهنمود آخر مستقیما به مفاهیم یکنواختی و ثبات رویه اشاره دارد.

ملاحظات کلی در مورد ( ASOBAT )

علیرغم انتقادهایی که درباره اختصار هدفها و رهنمودهای این بیانیه بعمل آمده ، این بیانیه ، نفوذ با اهمیت و مفیدی را بر گزارشها و بیانیه های بعدی مرتبط با تئوری حسابداری داشته است.

۱ در بیانیه شماره ۴ ، همانند ASOBAT ، بر تنوع استفاده کنندگان اطلاعات مالی تاکید دارد اما علاوه بر آن ، متذکر شده است که استفاده کنندگان اطلاعات مالی باید دانش لازم را داشته و قادر به درک ویژگیها و محدودیتهای صورتهای مالی باشند.

۲ در بیانیه شماره ۴ ، همانند ASOBAT تضاد احتمالی میان هدفهای ذکر شده ( مثلا مربوط بودن و قابلیت اعتماد ) نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۳ و همچنین در بیانیه شماره ۴ ، همانند ASOBAT ، نیاز به یکنواختی محدود در روشهای حسابداری را مورد قبول قرار می دهد.

ضمنا ، برخلاف ASOBAT بیانیه شماره ۴ ، نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان را نیز مورد تاکید قرار می دهد.

گزارش ASOBAT ، اولین تلاش برای ملحوظ کردن مربوط بودن اطلاعات برای استفاده کننده محسوب می شود.

در گزارشهای ASOBAT و SATTA که هر دو نتیجه فعالیت انجمن حسابداری آمریکاست . کوشش شده است که وضع موجود  
تئوری حسابداری در زمان تهیه گزارشها ، خلاصه و ارزیابی شود.

## تفاوت‌های CAP و APB و FASB

- ① از بعد سازمانی CAP و APB بخشی از AICPA بودند و استقلال نداشتند ولی FASB ساختاری مستقل و جدا از AICPA دارد.
- ② اعضای CAP و APB عضو تمام وقت مراکز دیگری بودند و به صورت پاره وقت در این سازمان ها عضو بودند ولی اعضای FASB عضو تمام وقت این نهاد هستند.
- اعضای CAP و APB باید گواهی CPA داشته باشند حال آنکه اعضای FASB به این گواهی احتیاج ندارند.
- ③ فرآیند قانونگذاری در CAP خیلی محدود بود، در APB محدودیت کمتر بود ولی FASB این فرآیند بسیار گسترده است و جلسات استماع عمومی یا نظرخواهی عمومی دارند.
- ④ از نظر مبانی تئوری CAP هیچ زیربنایی نداشت و از عرف جامعه برای تدوین قوانین استفاده می‌کرد APB از مفروضات بنیادی برای تدوین اصول حسابداری استفاده می‌کرد ولی FASB پروژه ای به اسم چارچوب نظری دارد که در طی سال‌های گذشته مرتباً در حال تکمیل است.
- ⑤ در CAP تلاشی برای استفاده از تحقیقات وجود نداشت، در APB بخش محدودی برای موارد خاص وجود داشت ولی در FASB استفاده از تحقیقات بسیار گسترده هست.
- ⑥ فرآیند استانداردگذاری در FASB فرآیندی نسبتاً زمان بر است و گاهی این فرآیند چندین سال طول می‌کشد.